

ضمانت‌اجراهای مدنی حمایت‌کننده از حقوق ادبی و هنری

سید محمد مهدی قبولی درافشان*

استادیار گروه حقوق دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

سعید محسنی

استادیار گروه حقوق دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۲۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۱۱/۲۳)

چکیده:

ضمانت‌اجراهای مدنی از مهمترین ضمانت‌اجراها برای حمایت از حقوق ادبی و هنری به‌شمار می‌آید. در این راستا در نظام حقوقی فرانسه دعوی ویژه‌ای تحت عنوان دعوی تقلب پیش‌بینی گردیده که علاوه بر جبران خسارت‌های زیان‌دیده، اثر بازدارندگی نیز دارد. این دعوی نیازمند اثبات تقصیر نبوده، فقط توسط پدیدآورنده و نیز شخصی که اجازه بهره‌برداری انحصاری از اثر به وی اعطا شده، می‌تواند اقامه‌گردد. در این نظام حقوقی قواعد عام مسئولیت مدنی به‌ویژه دعوی رقابت‌مکارانه و استفاده مکارانه مکمل دعوی تقلب به‌شمار آمده است. در نظام حقوقی ایران مسئولیت مدنی نقض‌کنندگان حقوق ادبی و هنری پذیرفته شده، ولی در متون قانونی خاص، مبانی و قواعد آن به‌خوبی تبیین نگردیده است. هرچند می‌توان از قواعد عام مسئولیت مدنی در این خصوص بهره برد ولی شایسته است قانونگذار با توجه به مبانی فقهی و حقوقی و استفاده از دستاوردهای حقوق فرانسه، به تکمیل و اصلاح مقررات حمایتی بپردازد.

واژگان کلیدی:

ضمانت‌اجرای مدنی، حقوق ادبی و هنری، دعوی تقلب، مسئولیت مدنی، رقابت و استفاده مکارانه.

مقدمه

یکی از مؤثرترین و پرکاربردترین ضمانت‌اجراهای نقض حقوق ادبی و هنری، ضمانت‌اجرای مدنی است. این ضمانت‌اجرا علاوه بر جبران خسارت‌های زیان‌دیده، می‌تواند اثر بازدارندگی نیز داشته باشد. در برخی از نظام‌های حقوقی همچون فرانسه، ضمانت‌اجراهای مدنی ویژه‌ای برای حمایت از مالکیت‌های فکری از جمله حقوق ادبی و هنری پیش‌بینی شده است. به علاوه قواعد عام مسئولیت مدنی نیز مکمل ضمانت‌اجراهای مزبور به‌شمار می‌آید. در نظام حقوقی ایران نیز از مسئولیت مدنی نقض‌کنندگان حقوق ادبی و هنری سخن به‌میان آمده ولی جای این سؤال باقی است که مسئولیت نقض‌کننده حقوق ادبی و هنری بر چه مبنایی استوار است و آیا می‌توان از مبانی عمومی مسئولیت مدنی در این زمینه بهره جست.

در این جستار از سویی، درصدد تبیین ضمانت‌اجراهای مدنی حمایت‌کننده از حقوق ادبی و هنری در حقوق فرانسه و تحولات حقوقی مربوط به آن هستیم. (مبحث نخست) از سوی دیگر، تلاش خواهیم نمود ضمن تبیین وضع فعلی مقررات موجود در حقوق ایران، برای تکمیل حمایت از حقوق ادبی و هنری، از مقررات عام مسئولیت مدنی در حقوق مدنی و پیشینه فقهی ارزنده آن بهره‌مند شویم. (مبحث دوم) طبیعی است شناسایی تجارب نظام حقوقی فرانسه به‌عنوان کشوری پیشرو در عرصه مالکیت‌های ادبی و هنری و نیز بهره‌گیری از قواعد مبانی ارزشمند فقهی، می‌تواند بر غنای ادبیات حقوقی ایران افزوده، در فرایند اصلاح و تکمیل مقررات حمایتی درخصوص مالکیت‌های ادبی و هنری، مفید واقع شود.

مبحث نخست - ضمانت‌اجراهای مدنی حمایت‌کننده حقوق ادبی و هنری در

حقوق فرانسه

در قانون مالکیت فکری فرانسه مقرراتی به ضمانت‌اجراهای مدنی ناشی از نقض حقوق ادبی و هنری، اختصاص یافته است. یکی از دعاوی پیش‌بینی‌شده مربوط به نقض حقوق مالکیت‌های فکری از جمله حقوق ادبی و هنری، دعوی تقلب^۱ است که دارای ابعاد کیفری و مدنی است. طبیعی است پرداختن به جنبه‌های مدنی دعوی مزبور داخل در قلمرو این جستار است.

برخی از حقوقدانان فرانسه (Pollaud-Dulian, 2005, 716)، در مقام بیان تضمین‌های مدنی که برای حمایت از حقوق ادبی و هنری وجود دارد، جنبه‌های مدنی دعوی تقلب (شبیه‌سازی) را متفاوت از دعوی مسئولیت مدنی به‌شمار آورده‌اند. ایشان عناصر تشکیل‌دهنده و اهداف

۱. اصطلاح فرانسوی (contrefaçon) در برخی از نوشته‌های حقوقی (ستار زرکلام، ۱۳۸۷، ۳۳۷ و ۴۱۲-۴۱۱) به «شبیه‌سازی» و در برخی دیگر (کلمبه، کلود، ۱۳۸۵، به‌عنوان نمونه ۱۹۲-۱۸۹) به «جعل» برگردان شده است. ما در این نوشتار از آن به «تقلب» تعبیر می‌نماییم.

مربوط به هریک از دو دعوی را متفاوت می‌دانند. در واقع دعوی تقلب ریشه در مقررات قانون مالکیت فکری داشته که برای تضمین بیشتر حقوق ویژه پیش‌بینی شده در قانون مزبور، مقرر شده است. حال آن‌که دعوی مسئولیت مدنی که در قانون مدنی فرانسه پیش‌بینی شده، دعوی عام بوده، برای حمایت از هر زیان‌دیده‌ای مقرر شده و از این حیث قابل تسری به عرصه مالکیت‌های فکری است. ما نیز برای تبیین مناسب‌تر موضوع، ابتدا دعوی تقلب (گفتار نخست) و سپس دعوی مسئولیت مدنی (گفتار دوم) را درخصوص نقض حقوق ادبی و هنری مورد بررسی قرار می‌دهیم.

گفتار نخست - دعوی تقلب (شبیه‌سازی)

اصطلاح تقلب (شبیه‌سازی) که در مواد مختلف قانون مالکیت فکری فرانسه مورد استفاده قرار گرفته، با هر لطمه‌ای به حقوق شناخته‌شده برای اموال غیرمادی تحقق می‌یابد. (Leschercheurs de l'ERCIM, 2004, 394) با این تعریف، هرگونه لطمه به مالکیت‌های فکری موجب تحقق تقلب خواهد بود. بنابراین در عرصه مالکیت‌های ادبی و هنری هرگونه استفاده غیرمجاز از اثر مشمول تعریف مزبور است. در این میان اشکال و شیوه‌های به‌کار رفته در اعمال ناقض حقوق ادبی و هنری و نیز اهداف نقض‌کنندگان حقوق مزبور اهمیتی ندارد. (Pollaud-Dulian, 2005, 718 et 720) بدین ترتیب دعوی تقلب دعوی ویژه حقوق مالکیت فکری معرفی گردیده (Legeais, 2009, 95) که درصدد مقابله با هرگونه آسیب به حق ویژه دارندگان یک حق مالکیت فکری (صنعتی یا ادبی و هنری) است.

بدیهی است اصولاً دارندگان حقوق مالکیت فکری ذی‌نفع دعوی تقلب هستند. با این‌همه از سال ۲۰۰۸، به‌موجب فرمان ۱۱ دسامبر ۲۰۰۸، اشخاصی که اجازه بهره‌برداری انحصاری از حقوق مالکیت فکری به ایشان اعطا شده نیز ذی‌نفع دعوی مزبور به‌شمار می‌آیند. سایر اشخاصی که اجازه بهره‌برداری دارند ولی اجازه بهره‌برداری ایشان انحصاری نیست، می‌توانند برای جبران خسارت‌های وارد به خود اقامه دعوی مسئولیت مدنی نمایند (Legeais, 2009, 95).

لازم به ذکر است که دعوی تقلب مختص به مواردی نیست که میان پدیدآورنده اثر و نقض‌کننده حقوق ادبی و هنری، هیچ رابطه قراردادی وجود نداشته باشد. بلکه در برخی موارد به‌رغم وجود رابطه قراردادی، دعوی تقلب مطرح می‌شود. این در فرضی است که طرف قرارداد از حدود مجاز قراردادی تعدی نماید. همچنین به‌موجب برخی از آراء دیوان عالی کشور فرانسه، در مواردی که قرارداد فاقد شرایط قانونی پیش‌بینی شده در ماده L131-3 قانون مالکیت فکری (تعیین گستره، هدف، مکان و مدت بهره‌برداری) باشد، به‌رغم موافقت پدیدآورنده با اصل انتقال حقوق و دریافت قسمتی از مابه‌ازاء قراردادی، بهره‌برداری از اثر

توسط طرف مقابل می‌تواند مصداق تقلب قرار گیرد. به‌علاوه خود پدیدآورنده نیز ممکن است نسبت به اثر خود متقلب شناخته شود. این در فرضی است که پدیدآورنده به‌رغم انتقال حقوق بهره‌برداری از اثر، اقدام به نقض حقوق انتقال یافته نماید (Pollaud-Dulian, 2005, 720-721).

همان‌گونه که اشاره شد، دعوی تقلب دارای ماهیت حقوقی دوگانه مدنی و کیفری است. به اعتقاد برخی از حقوقدانان فرانسوی (Pollaud-Dulian, 2005, 716)، جنبه مدنی دعوی تقلب با دعوی مسئولیت مدنی متفاوت است؛ زیرا اصولاً هدف از دعوی تقلب متوقف نمودن تعدی و آسیب‌های ناشی از تجاوز به حقوق مالکیت فکری دیگران است. به‌علاوه دعوی تقلب در پی بازگرداندن کامل پدیدآورنده به جایگاه حقوقی خویش و نیز دفاع از شخصیت اوست. همچنین به اعتقاد ایشان، دعوی تقلب مستلزم وجود خسارت ناشی از نقض حقوق ادبی و هنری نیست، بلکه بیشتر نقش بازدارنده دارد. به همین جهت برخلاف دعوی مسئولیت مدنی، برای اعمال دعوی مزبور اثبات وجود زیان ضروری نیست (Pollaud-Dulian, 2005, p. 784).

با این همه در صورت بروز خسارت، نقش جبران خسارت نیز برای دعوی تقلب وجود دارد. لیکن نقش جبران خسارت برای تحقق اهداف دعوی تقلب کافی نیست. زیرا همان‌گونه که بیان شد، حکم صادر در دعوی تقلب باید اثر بازدارنده داشته باشد. به همین جهت تعیین گرامات در این دعوی باید به‌گونه‌ای صورت پذیرد که نقش بازدارندگی دعوی تحقق یابد.

در مقابل، برخی (Lucas, 2001, 609 et 613) ضمن پذیرش این‌که یکی از کارکردهای دعوی تقلب حمایت از تمامیت حق مالکیت فکری و انحصار ناشی از آن است، از کارکرد جبران خسارت نیز برای دعوی تقلب سخن می‌گویند، ولی ماهیت جنبه اخیر از دعوی تقلب را مسئولیت مدنی به‌شمار می‌آورند و آن را اصولاً مشمول قواعد عام مسئولیت مدنی می‌دانند. به همین جهت در مسئله نحوه ارزیابی جبران خسارت، عقیده به لزوم رعایت قواعد عام و تناسب میان زیان و جبران خسارت دارند (Lucas, 2001, 615).

برای تحقق جنبه مدنی دعوی تقلب، ممکن است با این سؤال مواجه شویم که آیا سوءنیت یا وجود تقصیر شرط است یا خیر؟

درخصوص سوءنیت باید گفت هرچند وجود آن برای تحقق جنبه کیفری دعوی تقلب و به‌عنوان عنصر روانی جرم، ضروری است (Lucas, 2001, 598 et 606; Les chercheurs de l'ERCIM, 2004, 402)، لیکن سوءنیت و حسن‌نیت در جنبه مدنی دعوی مزبور فاقد اهمیت است. (Colombet, 1976, 290; Les chercheurs de l'ERCIM, 2004, 402) آن‌چه پاسخ به آن از بعد مدنی، دارای اهمیت است، لزوم یا عدم لزوم تقصیر می‌باشد.

قانون مالکیت فکری فرانسه در این خصوص به سکوت برگزار نموده است. به همین جهت برخی از حقوقدانان فرانسه (Lucas, 2001, 609) با توجه به اصل مسئولیت مبتنی بر

تقصیر، از لزوم وجود تقصیر سخن گفته‌اند. البته در خصوص بعد اثباتی تقصیر در برخی از آراء قدیمی‌تر دادگاه‌های فرانسه اماره تقصیر نقض کننده حقوق ادبی و هنری مورد پذیرش قرار گرفته است. (Pollaud-Dulian, 2005, 737) این رویه مورد تأیید حقوقدانان مزبور (Lucas, 2001, 610) است. بر اساس این نظر، چنانچه خواننده دعوی اثبات نماید که قادر به پیش‌بینی زیان‌بار بودن فعل نبوده، قضاات ماهوی می‌توانند حکم به برائت وی دهند.

البته رویه قضایی فرانسه به آرامی به سمت پذیرش مسئولیت بدون تقصیر پیش رفته است. به گونه‌ای که به موجب برخی از آراء، دیوان عالی کشور فرانسه دعوی تقلب را بدون نیاز به اثبات خطایی دیگر جز نقض حق، مورد پذیرش قرار داده است. (Pollaud-Dulian, 2005, 784) به تعبیر دیگر در دعوی تقلب آن چه اهمیت دارد، لطمه به حق انحصاری است و همین امر به خودی خود تقصیر محسوب گردیده است. امروزه با توجه به آراء جدید، رویه دیوان عالی کشور فرانسه بر اصل مسئولیت بدون تقصیر در این خصوص استوار گردیده است. (Pollaud-Dulian, 2005, 736-738) هرچند پذیرش دعوی جبران خسارت به صرف نقض حق و بدون توجه به هرگونه تقصیر، مورد انتقاد برخی از حقوق دانان فرانسه واقع شده است. ایشان از سویی تلقی نقض حق به عنوان تقصیر و از سوی دیگر، دست کشیدن از مبنای تقصیر را دشوار می‌دانند (Lucas, 2001, 610).

در هر حال، به موجب رویه قضایی فعلی فرانسه، مسئولیت ناشی از نقض حقوق ادبی و هنری منوط به سوء نیت یا تقصیر مرتکب آن نیست و حسن نیت نقض کننده حقوق مزبور موجب رفع مسئولیت وی نخواهد بود. بلکه صرف تکثیر، عرضه یا بهره‌برداری یک اثر ادبی و هنری که متضمن نقض حقوق ادبی و هنری باشد، موجب مسئولیت خواهد بود.

در صورت اجتماع شرایط دعوی تقلب، قاضی مدنی می‌تواند دستوراتی از قبیل منع فعالیت، منع از سرگیری اعمال متقلبانه، مصادره، انتشار و آگهی و... صادر نماید. در این راستا، یکی از دادگاه‌های فرانسه محکوم علیه را ملزم به انتشار رأی محکومیت خویش در صفحه اصلی سایت اینترنتی خود و ایجاد ارتباط (لینک) به یکی از سایت‌های حمایتگر از حقوق ادبی و هنری نموده است. به علاوه در صورت وجود خسارت، قاضی مدنی متقلب را به پرداخت غرامت محکوم می‌نماید. طبیعی است ارزیابی خسارت‌ها در اختیار قضاات ماهوی است. البته در این راستا، باید نقش بازدارنده دعوی تقلب در نظر گرفته شود. برای محاسبه غرامات، باید عدم‌النفع را نیز مورد محاسبه قرار داد. توجه به مجموعه اشیاء تقلبی، تعداد معاملات متقلبانه و نیز فرصت‌های از دست رفته زیان دیده، فراتر از آنچه که متقلب عملاً انجام داده است، برای محاسبه عدم‌النفع لازم است. (Pollaud-Dulian, 785) در فرضی که پدیدآورنده حقوق مالی خود نسبت به اثر را به شخص دیگری منتقل نموده و مابه‌ازاء به صورت درصدی تعیین شده است،

خسارت‌های قابل پرداخت به پدیدآورنده، درصدی از مبلغ قراردادهایی است که انتقال‌گیرنده حق از آن محروم گردیده است (Lucas, 2001, 616).

درخصوص نحوه تعیین غرامات و شیوه جبران خسارت، ماده 3-1-331 L مقرر نموده که برای تعیین غرامات، دادگاه نتایج اقتصادی منفی که زیان‌دیده متحمل گردیده (از جمله عدم‌النفع (Le manque à gagner)، منافع استیفاء شده توسط عامل زیان و خسارت‌های معنوی وارد شده به دارنده حقوق) را در نظر می‌گیرد. بر اساس این ماده، دادگاه می‌تواند به درخواست زیان‌دیده، مبلغی مقطوع به‌عنوان غرامت تعیین نماید. در این صورت، مبلغ مزبور نباید کمتر از مبلغ عایدات و حقوقی باشد که در صورت بهره‌برداری مجاز می‌توانست کسب گردد.

ماده 4-1-331 L که در تاریخ ۲۹ اکتبر ۲۰۰۷ به قانون مالکیت فکری فرانسه اضافه گردیده نیز برای از بین بردن منبع و منشأ زیان، مقرر نموده است که دادگاه می‌تواند به درخواست زیان‌دیده، دستور دهد که اشیاء به‌دست آمده یا ساخته شده‌ای که به این حقوق آسیب می‌رساند و نیز پشتیبان‌های استفاده شده (برای جمع‌آوری اطلاعاتی که به‌صورت غیر قانونی از پایگاه داده‌ها استخراج شده) و مواد یا ابزارآلات به‌کار رفته در اجرا یا تولید آنها، از جریان تجارت خارج و جمع‌آوری یا معدوم گردد یا به نفع زیان‌دیده مصادره شود. همچنین دادگاه می‌تواند دستور دهد هرگونه اقدام مناسب به‌منظور انتشار رأی به‌ویژه الصاق یا انتشار تمام یا قسمت منتخب آن در جراید یا بر روی سرویس‌های اطلاع‌رسانی برخط (آن‌لاین)، به کیفیتی که مصلحت می‌داند، صورت پذیرد. هزینه اقدامات مذکور به عهده عامل زیان است. به‌موجب ذیل ماده مزبور دادگاه می‌تواند دستور دهد که تمام یا بخشی از عایدات حاصل از تقلب و ورود زیان به یک حق مجاور حق ادبی یا حقوق تولیدکننده پایگاه داده‌ها، مصادره و به زیان‌دیده یا قائم‌مقامان وی داده شود.

سؤالی که ممکن است مطرح شود این است که آیا علاوه بر خسارت‌های مادی، خسارت‌های معنوی نیز قابل مطالبه هستند یا خیر؟ به‌نظر می‌رسد، در حقوق فرانسه همان‌گونه که برخی از اساتید حقوق فرانسه (ژوردن، ۱۳۸۲، ۱۳۹) (Bénabent, 1995, 339-340) نیز بیان داشته‌اند، از زمان صدور رأی ۲۵ ژوئن ۱۸۳۳ توسط هیئت عمومی دیوان کشور فرانسه، رویه قضائی بدون تردید، حکم به جبران زیان معنوی می‌دهد. این رأی ریشه در اعتقاد و تلاش دادستان کل کشور فرانسه جناب دوپن (Dupin) دارد که نظر موافقت هیئت عمومی دیوان عالی کشور را در صدور رأی مزبور تحصیل نمود. هیئت عمومی مزبور پذیرفت و مقرر نمود که صرف مشکل بودن تقویم و ارزیابی میزان خسارتی که اصل آن پذیرفته شده، نمی‌تواند مبنایی جهت رد دعوی زیان‌دیده به‌شمار آید. (Bénabent, 1995, 339-340; Mazeauds et Chabas, 1985, 407) به همین جهت برخی از حقوق‌دانان فرانسه (Pollaud-Dulian, 2005, 786) در بحث دعوی تقلب

نیز تصریح نموده‌اند که خسارت‌های معنوی پدیدآورنده باید مورد محاسبه و جبران قرار گیرد. چنین خسارتی از راه پرداخت مبلغی پول جبران می‌شود. البته مبلغ مزبور به دلیل تفاوت ماهوی با حق نقض شده، تقریبی است. ولی این روش تنها راهی است که برای بلاجبران نماندن خسارت و نیز مقابله با نقض حق معنوی و پیش‌گیری از ارتکاب چنین اقداماتی وجود دارد.

گفتار دوم - مسئولیت مدنی

ممکن است در مواردی امکان توصیف دعوی به دعوی تقلب به شرح پیش‌گفته، وجود نداشته باشد. طبیعی است در این قبیل موارد، بحث مسئولیت مدنی مطرح است. در این راستا، برخی از مقررات ویژه قانون مالکیت فکری فرانسه درخصوص حقوق ادبی و هنری را می‌توان به دعوی مسئولیت مدنی توصیف نمود (بند نخست) به علاوه قواعد عام مسئولیت مدنی به ویژه قواعد مربوط به دعوی رقابت مکارانه و دعوی استفاده مکارانه، نیز می‌تواند تکمیل‌کننده دعوی تقلب باشد (بند دوم)

بند نخست - دعوی مسئولیت مدنی در مقررات ویژه حقوق ادبی و هنری

قانون مالکیت فکری فرانسه درخصوص حق تعقیب (بند الف) و سوءاستفاده از عنوان اثر (بند ب) مسئولیت‌هایی را پیش‌بینی نموده که دارای ویژگی‌های دعوی تقلب نبوده، تحت عنوان دعوی مسئولیت مدنی قابل بررسی است.

الف - نقض حق تعقیب (Le droit de suite)^۱

یکی از مواردی که در قانون مالکیت فکری فرانسه، قانونگذار مسئولیتی را پیش‌بینی نموده که در قالب دعوی تقلب نمی‌گنجد و باید از دعوی مسئولیت مدنی درباره آن سخن گفت، مسئله مسئولیت ناشی از نقض حق تعقیب است.

هرچند درخصوص نقض حق تعقیب، مسئولیت کیفری پیش‌بینی نشده، ولی به موجب ماده L334-1 قانون مالکیت فکری، مأموران اداره فروش از طریق حراج (les officiers ministériels) و خریدار (l'acquéreur) در مورد پرداخت غرامت به ذی‌نفعان حق تعقیب، مسئولیت تضامنی دارند. همین وضعیت در زمان حاکمیت قانون قدیم فرانسه راجع به حمایت

۱. منظور از حق تعقیب که در کنوانسیون برن، مقررات جامعه اروپا و برخی قوانین ملی از جمله قانون مالکیت فکری فرانسه، برای پدیدآورندگان برخی از آثار به رسمیت شناخته شده، عبارت از حقی است غیر قابل انتقال که پدیدآورنده اثر بر منافع حاصل از فروش‌های بعدی اثر پیدا می‌کند. این حق در ماده L122-8 قانون مالکیت فکری فرانسه پیش‌بینی شده است. مقررات قانونی ایران به این حق نپرداخته است.

از حق مؤلف مصوب ۱۹۵۷ و ماده ۷۶ آن قانون وجود داشت. (Colombet, 1976, 288) از آن جا که مسئولیت مقرر در ماده L334-1، صرفاً ناظر به جبران خسارت‌های وارده و فاقد کارکرد بازدارندگی است، از مصادیق مسئولیت مدنی و متفاوت با دعوی تقلب دانسته شده است (Pollaud-Dulian, 2005, 787).

ب- سوءاستفاده از عنوان اثر

به موجب ماده L112-4 قانون مالکیت فکری فرانسه، عنوان اثر در صورتی که اصیل باشد، برخوردار از حمایت‌های قانون است و تعرض به این حق در مدت حمایت قانونی، امکان طرح دعوی تقلب را فراهم می‌نماید. لیکن اگر عنوان اثر به دلیل فقدان اصالت یا سپری شدن مدت حمایت، مشمول حمایت‌های ویژه حقوق ادبی و هنری نباشد، دعوی تقلب قابل استفاده نیست ولی می‌توان از قواعد عام مسئولیت مدنی در این خصوص بهره برد. در این راستا قانون‌گذار فرانسه در بند دوم ماده L112-4 قانون مالکیت فکری این کشور، در فرضی هم که عنوان اثر قابل حمایت نباشد، ولی استفاده از آن توسط دیگری موجب القاء شبهه گردد، استفاده مزبور را ممنوع اعلام نموده است. طبیعی است چنین استفاده‌ای یکی از مصادیق رقابت مکارانه بوده، امکان طرح دعوی مسئولیت مدنی را فراهم می‌نماید.

بند دوم- قواعد عام مسئولیت مدنی

علاوه بر موارد ویژه‌ای که قانون‌گذار فرانسه در قانون مالکیت فکری از مسئولیت مدنی سخن گفته، در سایر موارد، قواعد عام مسئولیت مدنی می‌تواند مورد استناد قرار گیرد. به موجب قاعده عمومی که در ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه پیش‌بینی شده، اصل بر مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر است. به موجب ماده مزبور، هر عملی که سبب ورود خسارت به دیگری گردد، شخص مقصر را به جبران خسارت ملزم می‌نماید. البته باید توجه داشت اصل مزبور از نیمه دوم سده نوزدهم میلادی به بعد توسط قوانین و رویه قضایی فرانسه استثنائات فراوانی را به خود دیده و مبنای مسئولیت مدنی دچار تحولاتی گردیده است (ژوردن، ۱۳۸۲، ۲۶-۴۱) (Marty et Raynaud, T.1, 1988, 430 s).

در مقوله نقض مالکیت فکری، علاوه بر آنچه تحت عنوان دعوی تقلب یا دعوی مسئولیت مدنی در مقررات ویژه قانون مالکیت فکری فرانسه بیان شد، می‌توان به قواعد عام مسئولیت مدنی ناشی از رقابت مکارانه (concurrency déloyale) و استفاده مکارانه (Parasitisme) اشاره نمود. منظور از رقابت مکارانه، هر نوع رقابتی است که مطابق با عادات و رسوم تجاری نبوده، ناامنی حقوقی را به دنبال دارد. (Dekeuwer-Defossez, 2004, p. 424) استفاده مکارانه نیز

در معنای عام خود موضوع نظریه‌ای است که به موجب آن، هرگونه تصاحب و تصرف ناروای کار دیگری، مستحق برخورد و مجازات است. در این معنی، هرگونه رفتار مکارانه خواه در چارچوب روابط رقابتی و خواه غیر آن، مشمول مفهوم استفاده مکارانه بوده، شایسته نکوهش است. (Dekeuwer-Defossez, 2004, 430; Canin, 2004, 151-152) بنابراین میان مفهوم رقابت مکارانه و استفاده مکارانه رابطه عموم و خصوص من وجه برقرار است.^۱

درواقع دعوی رقابت مکارانه یا در فرض فقدان رقابت، دعوی مسئولیت مدنی مبتنی بر استفاده مکارانه مکمل دعوی تقلب به شمار آمده است. (Pollaud-Dulian, 2005, 716 et 788) البته دعوی رقابت مکارانه تابع مقررات مسئولیت مدنی و درصدد جبران خسارت‌های ناشی از تقصیر است در حالی که دعوی تقلب در فرض لطمه به حق ویژه پیش‌بینی شده توسط قانونگذار و درصدد بازگرداندن کامل دارنده حق به موقعیت خویش است. در مورد دعوی رقابت مکارانه عناصر تشکیل‌دهنده مسئولیت مدنی یعنی تقصیر، وجود زیان و رابطه سببیت باید احراز گردد. البته مبتنی بودن رقابت مکارانه بر تقصیر، مورد انتقاد دکترین فرانسه قرار گرفته، نامتناسب با نقشی که دعوی مزبور باید ایفاء نماید، دانسته شده است. (Canin, 2004, 153-52) با توجه به ویژگی تکمیلی دعوی رقابت مکارانه نسبت به دعوی تقلب، دعوی رقابت مکارانه در فرضی قابل اعمال است که شرایط دعوی تقلب فراهم نباشد و با اعمالی که وصف رقابت مکارانه را داشته باشند، روبرو باشیم. (Pollaud-Dulian, 2005, 788; v. aussy Legeais, 2009, 95) در صورت فقدان شرایط دعوی تقلب و فقدان رقابت مکارانه، می‌توان جهت تکمیل دعوی تقلب از نظریه استفاده مکارانه، بهره‌مند شد. نظریه اخیر در فرضی مطرح است که اثبات شود، خواننده دعوی عمداً از کار خواهان یا شهرت و آوازه وی بهره‌برداری مکارانه نموده است (Pollaud-Dulian, 2005, 790).

با توجه به تعریف دعوی تقلب و دعوی رقابت مکارانه، چنانچه سخن از تکثیر غیرمجاز یک اثر باشد، با دعوی تقلب روبرو هستیم ولی اگر اقداماتی از قبیل مانورهای که باعث بی‌اعتباری انتشارهای مجاز می‌گردد یا به کار بردن تبلیغات به منظور القاء شبهه در اذهان عمومی مطرح باشد، مسئله رقابت مکارانه پیش می‌آید (Pollaud-Dulian, 2005, 788).

۱. استفاده مکارانه (Parasitisme) اعم از این دانسته شده که متضمن رقابت باشد یا نباشد. استفاده مکارانه متضمن رقابت را (Concurrence Parasitaire) و استفاده مکارانه فاقد رقابت را (Agissement Parasitaire) نامیده‌اند. (به عنوان نمونه، Legeais, 2009, 314) ر.ک.

مبحث دوم - ضمانت‌اجراهای مدنی ناشی از نقض حقوق ادبی و هنری در حقوق ایران

در قوانین مربوط به حقوق ادبی و هنری، برای نقض حقوق مزبور، مسئولیت مدنی پیش‌بینی شده است. لیکن در هیچ‌یک از مقررات مزبور، به صراحت از مبنای خاصی سخن گفته نشده است. به همین جهت باید دید که از سویی مسئولیت پیش‌بینی شده مزبور بر چه مبنایی استوار است و از سوی دیگر، آیا در آن خصوص، از مبنای دیگر نیز می‌توان بهره جست؟ در این راستا ابتدا به بررسی مقررات پیش‌بینی شده در قوانین مربوط به حقوق ادبی و هنری و مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مزبور (گفتار نخست) و سپس به بررسی مبنای مسئولیت مدنی با تکیه بر حقوق ادبی و هنری (گفتار دوم) می‌پردازیم.

گفتار نخست - جایگاه مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق ادبی و هنری در متون قانونی ایران

مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق ادبی و هنری در متون قانونی مختلفی مورد اشاره قرار گرفته است. در ادامه ضمن بیان موارد مزبور، به نقد و بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

الف - به موجب ماده ۲۸ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، «هرگاه متخلف از این قانون، شخص حقوقی باشد، علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او باشد، خسارت‌های شاکه خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد...».

منطوق ماده ۲۸ از دو جهت دارای محدودیت است. از سویی، منطوق ماده ۲۸ درخصوص نقض حقوق ادبی و هنری که فاقد عنوان مجرمانه باشد، ساکت است. از سوی دیگر، حکم ماده مزبور در مورد اشخاص حقیقی ناقض حقوق ادبی و هنری، به سکوت برگزار کرده است. با این همه باید گفت، از سویی سکوت مزبور نمی‌تواند نافی مسئولیت مدنی اشخاص حقیقی ناقض حقوق ادبی و هنری و نیز مسئولیت مدنی ناشی از اقدامات فاقد وصف مجرمانه باشد. زیرا اولاً مقرر مذکور در مقام پذیرش اصل مسئولیت مدنی برای اشخاص حقوقی است و دلالتی بر نفی مسئولیت اشخاص حقیقی ندارد. به عبارت دیگر اثبات شیء نفی ماعدا نمی‌کند. ثانیاً ملاک ماده مزبور درخصوص اشخاص حقیقی نیز قابل اجراست و اشخاص حقوقی از این جهت خصوصیتی ندارند. ثالثاً می‌توان از سایر مبنای مسئولیت مدنی نیز در مورد نقض حقوق ادبی و هنری بهره برد که هم اشخاص حقیقی و هم اشخاص حقوقی را شامل می‌شود. از سوی دیگر، با توجه به استدلال‌های پیش‌گفته، نمی‌توان مسئولیت مدنی را منحصر به فرضی دانست که ورود خسارت ناشی از اقدامات مجرمانه باشد.

نکته قابل توجه دیگر در مورد ماده ۲۸ این است که به موجب قسمت اخیر این ماده، «...در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند، مابه‌التفاوت از اموال مرتکب جرم جبران می‌شود».

ب- مواد هفت و هشت قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی نیز ضمن بیان مسئولیت کیفری برای نقض کنندگان حقوق مورد حمایت قانون، از مسئولیت مدنی ناشی از جرائم مزبور نیز سخن گفته است. به موجب ماده هفت این قانون، اشخاصی که عالمأ و عامداً حقوق مورد حمایت در قانون مزبور را نقض کنند و نیز اشخاصی که به همین ترتیب، آثار صوتی، برنامه‌های رادیو تلویزیونی یا هرگونه پخش دیگر که به‌طور غیر مجاز در خارج تهیه شده را به کشور وارد یا صادر کنند، علاوه بر تحمل مجازات مقرر در قانون، ملزم به جبران خسارت‌های شاکی خصوصی نیز هستند.

ماده هشت قانون مزبور در حکمی مشابه ماده ۲۸ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، در موردی که متخلف از مقررات، شخص حقوقی باشد، مسئولیت مدنی ناشی از جرم را برای شخص حقوقی به رسمیت شناخته است. البته تبصره ماده مزبور، با تکرار حکم استثنایی مذکور در ذیل ماده ۲۸، مقرر نموده که «در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند، مابه‌التفاوت از اموال شخص حقیقی مسئول جبران می‌شود».

منطوق مواد پیش‌گفته نیز نقض حقوق ادبی و هنری که عنوان مجرمانه نداشته باشد، را در بر نمی‌گیرد. لیکن همان‌گونه که بیان گردید، با توجه به این که اثبات شیء نفی ماعدا نمی‌کند، می‌توان از سایر مبانی مسئولیت مدنی در این خصوص بهره برد و مسئولیت را محدود به خسارت‌های ناشی از جرم ندانست.

ج- ماده ۱۳ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای و تبصره آن نیز برای تضمین حقوق مورد حمایت آن قانون، مسئولیت مدنی پیش‌بینی و مقرر نموده که «هرکس حقوق مورد حمایت این قانون را نقض نماید، علاوه بر جبران خسارت به حبس از نود و یک روز تا شش ماه و جزای نقدی از ده میلیون تا پنجاه میلیون ریال محکوم می‌گردد. تبصره- خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص مرتکب جرم جبران می‌شود».

در تنظیم ماده فوق، دقت کافی به عمل نیامده است. از سویی با توجه به تعبیر «هرکس» در متن ماده و پیش‌بینی مجازات حبس برای متخلف، معلوم می‌شود که حکم مزبور ناظر به اشخاص حقیقی است و اشخاص حقوقی را در بر نمی‌گیرد. به‌علاوه تأکید تبصره مزبور بر جبران خسارت‌ها از اموال شخص مرتکب جرم، مسئولیت مدنی شخص حقوقی را منتفی نموده است. این در حالی است که در متون قانونی پیش‌گفته که سابق بر این قانون وضع گردیده، حمایت‌های بیشتری پیش‌بینی شده و قانونگذار برای حمایت از زیان‌دیده، نه تنها

مسئولیت مدنی شخص حقوقی را مقرر نموده بود، بلکه در فرض عدم کفای دارایی شخص حقوقی، مرتکب جرم را مسئول پرداخت باقی خسارت‌ها می‌دانست.

از سوی دیگر، درج تبصره در ذیل یک ماده قانونی منطقاً باید متضمن حکمی جدید باشد. در حالی که تبصره ذیل ماده ۱۳ مورد بحث، تکرار حکم مندرج در متن ماده بوده، عملی لغو به‌شمار می‌آید. البته اگر مقصود قانونگذار، تأکید بر مسئولیت مدنی مرتکب جرم و نفی مسئولیت مدنی شخص حقوقی باشد، در این صورت اشکال نخست پررنگتر شده، همان‌گونه که برخی نویسندگان (زرکلام، ۱۳۸۷، ۴۰۹-۴۰۸) عنوان نموده‌اند، عملکرد قانونگذار نوعی عقب‌گرد ناصواب محسوب می‌شود.

البته برای کاهش آثار نامطلوب مقرره مورد انتقاد، باید به قدر متیقن بسنده نمود. در واقع با توجه به استثنایی بودن حکم مزبور، نمی‌توان آن را از راه وحدت ملاک، توسعه داده و شامل مسئولیت مدنی ناشی از اقدامات غیرمجرمانه پنداشت. توضیح این‌که در صورت نقض حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای که فاقد وصف مجرمانه است، به‌موجب قواعد عمومی و با توجه به ماده ۵۸۸ قانون تجارت، باید خود شخص حقوقی را مسئول جبران خسارت دانست.

قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای نیز همچون قوانین قبلی، صرفاً از مسئولیت مدنی ناشی از جرم سخن گفته است. لیکن همان‌گونه که قبلاً نیز بیان کردیم، مقرر مزبور به معنی نفی مسئولیت ناشی از نقض حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای که فاقد عنوان مجرمانه باشد، نخواهد بود.

د- ماده ۷۸ قانون تجارت الکترونیک خسارت وارد بر اشخاص در بستر مبادلات الکترونیک را قابل جبران دانسته است. توضیح این‌که چنانچه خسارت مزبور ناشی از نقض یا ضعف سیستم مؤسسات خصوصی و دولتی باشد، مؤسسات مزبور مسئول جبران خسارتند و اگر خسارت‌های وارد ناشی از فعل شخصی افراد باشد، جبران خسارت‌ها بر عهده افراد مزبور خواهد بود. بدیهی است نقض حقوق ادبی و هنری ممکن است در بستر مبادلات الکترونیک صورت پذیرد. در این صورت اطلاق ماده ۷۸ این مورد را در بر می‌گیرد.

ه- «مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانه‌ای رایانه‌ای» مصوب جلسه ۴۸۸ مورخ ۱۳۸۰/۸/۱۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی متضمن مقرراتی درباره مسئولیت شرکت‌ها و مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنتی (رسا) (ISP: Internet Service Provider) است. به‌موجب بند ۲-۳-۵ قسمت الف مقررات مزبور، «مسئولیت رعایت قوانین مالکیت معنوی و حق تألیف و تصنیف به‌عهده ارائه‌کننده اطلاعات در شبکه می‌باشد.» منظور از ارائه‌کننده اطلاعات مذکور در این بند مفهومی متفاوت از شرکت‌ها یا مؤسسات رسا است.

(صادقی و خلج، ۱۳۸۶، ۱۳۹) زیرا به طور معمول شرکت‌ها و مؤسسات مزبور ارائه‌کننده خدمات اطلاع‌رسانی هستند نه ارائه‌کننده اطلاعات. با این همه باید توجه داشت، چنانچه خود شرکت یا مؤسسه رسماً شخصاً از طریق ارائه اطلاعات، مبادرت به نقض حقوق مالکیت‌های فکری نماید، مشمول مقرر مذكور خواهد بود.

گفتار دوم- مبانی مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق ادبی و هنری

مسئولیت مدنی در فقه امامیه و حقوق ایران دارای مبانی متعددی است. در ادامه مهمترین مبانی مسئولیت مدنی که می‌تواند در عرصه مالکیت‌های ادبی و هنری برای مسئولیت ناشی از نقض حقوق مزبور، مورد استفاده قرار گیرد، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

الف- اتلاف و تسبیب

به موجب ماده ۳۲۸ قانون مدنی: «هرکس مال غیر را تلف کند، ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد، اعم از این که از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از این که عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند، ضامن نقص قیمت آن مال است.» شرط جریان قاعده اتلاف این است که مال متعلق به غیر، توسط دیگری به طور مستقیم تلف گردد. شمول قاعده بر اتلاف اموال مادی به هیچ وجه مورد تردید نیست. لیکن در خصوص حقوق ادبی و هنری، این ابهام وجود دارد که اولاً آیا اتلاف چنین اموالی قابل تصور است؟ ثانیاً آیا قلمرو قاعده مزبور اتلاف چنین اموالی را در بر می‌گیرد؟

در پاسخ به سؤال نخست، باید گفت اتلاف مفهومی عرفی است که شامل اتلاف اعیان و منافع و نیز اتلاف جزئی و کلی می‌گردد. اتلاف حقوق ادبی و هنری قابل تصور است. به عنوان نمونه چنانچه یک اثر شنیداری یا دیداری بر روی یک یا چند نسخه منحصر به فرد در قالب لوح فشرده (CD)، نوار ویدئویی، کاست و امثال آن، تهیه و ضبط گردیده باشد، از بین بردن نسخ مزبور ملازمه با اتلاف حق ادبی و هنری مورد نظر دارد. همچنین است فرضی که پدیدآورنده یک اثر نوشتاری مانند کتاب که با تحمل مرارت‌های زیاد، نسخه یا نسخ معدودی به صورت نوشته تهیه نموده است. در این صورت، از بین بردن نسخه یا نسخ مزبور، در عمل منجر به اتلاف حق ادبی و هنری نویسنده می‌شود. زیرا در این فرض، پدیدآورنده امکان دسترسی به محصول فکری خود را از دست داده است.

با توجه به توضیحات فوق و تبیین موضوعی مسئله، در پاسخ به سؤال دوم به عنوان مسئله حکمی، باید گفت چنانچه امری در نگاه عرف، اتلاف مال متعلق به غیر محسوب گردد،

مشمول قاعده اتلاف است. بنابراین با توجه به صدق عرفی اتلاف در برخی از موارد نقض حقوق ادبی و هنری، اتلاف چنین اموالی نیز داخل در قلمرو قاعده مزبور می‌باشد.

بنابراین ادعای برخی از حقوقدانان (زرکلام، ۱۳۸۷، ۴۰۴) مبنی بر این‌که «ماده ۳۲۸ ناظر به تلف مادی است و در نتیجه از یک‌سو، نقض حقوق معنوی را شامل نمی‌شود و از سوی دیگر، شبیه‌سازی یا نقض حقوق مادی در محیط الکترونیکی را در بر نمی‌گیرد.» قابل انتقاد به‌نظر می‌رسد. زیرا اطلاق مال در ماده ۳۲۸، مال غیر مادی را نیز شامل می‌شود.^۱ به علاوه نقض حقوق مادی آثار ادبی و هنری در محیط الکترونیکی نیز نوعی تلف مادی به‌شمار می‌آید.

در فرضی که در نظر عرف، اتلاف با واسطه بوده و مستقیم نیست، موضوع مشمول ماده ۳۳۱ قانون مدنی است که بیانگر مسئولیت مبتنی بر تسبیب می‌باشد. مسئولیت مبتنی بر تسبیب نیز همچون اتلاف، نوعی مسئولیت عینی به‌شمار می‌آید. به همین جهت این نوع مسئولیت در حقوق اسلامی (موسوی بجنوردی، ج ۲، ۱۴۱۹، ۲۳-۳۱؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ۲۰۵؛ نائینی، ج ۳، ۱۴۱۸، ۳۸۲؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ۱۹۰؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۷، ۲۶۰-۲۵۹) تحت عنوان اتلاف بالتسبیب مطرح گردیده است. بنابراین نباید همچون برخی از حقوقدانان (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۲۱۶-۱۱۶؛ امامی، ۱۳۷۴، ۴۳۹-۳۳۹)، مسئولیت مبتنی بر تسبیب را با مسئولیت مبتنی بر تقصیر یکسان دانست و وجود تقصیر را رکن تحقق مسئولیت به‌شمار آورد. بلکه باید با آن دسته از حقوقدانانی (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ۸۱؛ صفایی، ۱۳۸۶، ۲۴۹؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۸، ۶۰؛ داراب پور، ۱۳۸۷، ۸۱؛ باریکلو، ۱۳۸۵، ۱۸۵) هم‌داستان شد که در تسبیب نیز صرفاً احراز رابطه سببیت را شرط دانسته‌اند. البته تقصیر در این میان می‌تواند برای احراز استناد و رابطه سببیت قابل استفاده باشد، لیکن فقدان تقصیر با وجود رابطه سببیت، نفی مسئولیت را به دنبال ندارد.

ب- ضمان ید

به‌موجب قاعده ضمان ید چنان‌چه شخصی بر آنچه متعلق به دیگری است استیلاء یابد، ضامن آن به‌شمار می‌آید.^۲ گستره ضمان ید شامل تمام تصرفات و استیلاها بر شیء متعلق به

۱. به همین ترتیب برخی از نویسندگان (حسین صادقی، ۱۳۸۸، ص ۴۶) تلف اموال غیر مادی را نیز بسان تلف اموال مادی و حتی بدون نیاز به احراز عنصر تقصیر، موجب مسئولیت دانسته‌اند.

۲. در خصوص مستندات قاعده مزبور در حقوق اسلامی و مناقشات راجع به آن، رک: موسوی بجنوردی، ج ۴، ۱۴۱۹، ۵۳ به بعد؛ طهوری، ج ۱، ۱۴۱۹، ۴۳۹ به بعد؛ انصاری، ج ۳، ۱۴۲۰، ۱۸۱ به بعد؛ نائینی، ج ۱، ۱۴۱۸، ۳۶۱ به بعد؛ حسینی مراغی، ج ۲، ۱۴۱۸، ۴۱۶ به بعد؛ نوری، ۱۴۱۴، ۱۹ به بعد.

دیگری (جز مصادیق ید امانی^۱) می‌باشد و علم و عمد متصرف در تحقق ضمان، شرط نیست. (نوری، ۱۴۱۴، ۲۵؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۸، ۲۴۳-۱۴۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ۲۳۷؛ کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۱۶۷؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۸، ۶۴) از همین رو، غصب نیز از شاخه‌های ضمان ید به‌شمار می‌آید. قانون‌گذار ایران نیز در ماده ۳۰۸ قانون مدنی و مواد پس از آن که از غصب و آنچه در حکم غصب است، سخن گفته، به‌گونه‌ای به بیان قاعده مزبور پرداخته است.

نکته قابل توجه درباره ضمان ید این است که مبنای مسئولیت استیلائی بر شیء متعلق به دیگری است و ایراد ضرر توسط متصرف شرط لازم برای تحقق مسئولیت به‌شمار نمی‌آید. به همین دلیل حتی در مواردی که در اثر حوادث قهری یا فعل اشخاص ثالث، خسارتی به بار می‌آید، متصرف مسئولیت خواهد داشت. بنابراین قاعده مزبور نسبت به سایر مبنای مسئولیت در بر دارنده تضمین بیشتری برای حقوق زیان‌دیده است.

به‌نظر می‌رسد قاعده ضمان ید نسبت به نقض حقوق ادبی و هنری نیز می‌تواند جاری گردد. زیرا متعلق استیلا در این قاعده عمومیت داشته، شامل هرگونه حقی می‌گردد. به همین جهت ماده ۳۰۸ قانون مدنی، استیلاء بر حق غیر را موجب ضمان دانسته است. همان‌گونه که برخی از حقوقدانان (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۲۰۱) گفته‌اند، موضوع استیلاء ممکن است مالکیت عین یا منفعت و نیز سایر انواع حقوق باشد.

آنچه ممکن است به‌عنوان مانع جدی بر جریان قاعده مزبور بر نقض حقوق ادبی و هنری مطرح شود، تصور استیلاء بر حقوق ادبی و هنری است. سؤال این است که چگونه می‌توان استیلائی بر آثار ادبی و هنری را تصور نمود. به تعبیر دیگر، با توجه به ویژگی خاص آثار ادبی و هنری، آیا این قبیل آثار می‌توانند تحت استیلاء قرار گیرند؟ به‌نظر می‌رسد بازخوانی مفهوم استیلاء می‌تواند راهگشا باشد. برای تبیین مفهوم استیلاء، باید موضوع را به داوری عرف واگذار نمود. زیرا همان‌گونه که برخی از فقیهان (نوری، ۱۴۱۴، ص ۲۵؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۸، ۴۲۶) بیان داشته‌اند، مراد از استیلاء، استیلاء عرفی است. بدیهی است داوری عرف در موارد مختلف با توجه به طبیعت مال و چگونگی انتفاع و استعمال آن، یکسان نیست. (در این خصوص، رک. کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۱۹۸)

به‌نظر می‌رسد اگر شخصی بدون مجوز، اثر ادبی و هنری دیگری را مورد بهره‌برداری قرار دهد، از دید عرف، استیلاء محقق شده، موجب ضمان فراهم خواهد آمد. البته برخی در مقام ایراد به استفاده از نهاد غصب برای نقض حقوق مالکیت فکری، بیان داشته‌اند که «در غصب، مال مورد غصب از ید و استیلائی مالک خارج می‌شود در حالی که بهره‌برداری از حقوق

۱. البته در صورتی که امین دچار تعدی و تفریط گردد، وصف امانت وی زائل گشته، مسئولیت مدنی پیدا می‌کند. به این نوع مسئولیت ضمان تعدی و تفریط نیز گفته می‌شود که چون موانع اجرای قاعده علی‌البد را از بین می‌برد، جزء ملحقات قاعده علی‌البد به‌شمار آمده است. (حسینی مراغی، ج ۲، صص ۴۴۶-۴۴۷؛ کاتوزیان، ج ۱، ۱۳۷۸، ص ۱۷۳)

شناخته شده پدیدآورنده، بدون اجازه او، مانع استفاده پدیدآورنده یا منتقل‌الیه از اثر نیست. در واقع هردو به موازات هم ممکن است از اثر بهره‌مند شوند. هرچند که استفاده اول مشروع نیست. به عبارت دیگر، برخلاف مورد غصب، شبیه‌سازی یا بهره‌برداری غیرمجاز از حقوق پدیدآورنده، انتفاع پدیدآورنده از اثر را به‌طور کلی منتفی نمی‌کند.» (زرکلام، ۱۳۸۷، ۴۰۶)

در پاسخ به این انتقاد باید گفت، از سویی شرط تحقق غصب، استیلائی غاصب است و خروج مال از اختیار مالک، لازم به‌نظر نمی‌رسد. به‌عنوان نمونه چنان‌چه شخصی نصف خانه متعلق به دیگری را به‌صورت عدوان تصرف نماید و نصف دیگر آن در اختیار مالک باقی بماند، در تحقق غصب تردیدی وجود ندارد. به عبارت دیگر، استقلال در استیلاء شرط تحقق غصب نیست. (در این خصوص رک. شهید ثانی، ۱۴۱۰، صص ۱۹-۱۵ و ۲۱-۲۲؛ امامی، ۳۶۲؛ کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۱۶۷)

از سوی دیگر، در برخی موارد، استیلا بر آثار ادبی و هنری، ممکن است مانع انتفاع پدیدآورنده باشد. به‌عنوان نمونه در فرضی که اثر ادبی و هنری در قالب یک نوشته، لوح فشرده (CD)، نوار ویدئویی، تابلوی نقاشی و یا به‌طور کلی یک پایگاه مادی منحصر به فرد، تحقق یافته باشد، چنان‌چه شخصی پایگاه مادی مزبور را از استیلائی پدیدآورنده خارج نماید، عملاً به‌طور کامل بر خود اثر استیلاء یافته است.

ج- تقصیر

ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ از تقصیر به‌عنوان مبنای مسئولیت، سخن گفته‌است. به‌موجب این ماده، چنانچه شخصی بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی، به هرگونه حق قانونی شخص دیگر آسیب رساند، مسئول محسوب می‌شود. ماده مزبور به‌صراحت، زیان‌های معنوی را همانند زیان‌های مادی، موجب مسئولیت دانسته است.^۱

پدیدآورنده در صورتی می‌تواند به استناد ماده یک قانون مسئولیت مدنی، مطالبه خسارت ناشی از نقض حقوق ادبی و هنری را نماید که تقصیر عامل زیان را به اثبات رساند. البته موکول کردن جبران خسارتهای ناشی از نقض حقوق مالکیت‌های فکری به اثبات تقصیر، ناظر

۱. در خصوص شیوه جبران خسارت‌های معنوی، ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی، از الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن، سخن گفته است. ماده ۲۷ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان نیز انتشار حکم محکومیت جزائی، در روزنامه را مقرر نموده است. البته در خصوص جبران خسارت‌های معنوی از راه تقویم به مبلغ پول، اختلاف نظر وجود دارد. به‌موجب نظر فقهای محترم شورای نگهبان، «طرح دعوی خسارت معنوی مجاز و دادگاه مکلف به رسیدگی آن است. اما تقویم خسارت معنوی به مال و امر مادی مغایر موازین شرعی است. البته رفع هتک و توهین که به شخص شده به طریق متناسب به آن در صورت مطالبه ذی‌حق لازم است.» (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ۸۷). در هر حال خسارت‌های معنوی ناشی از نقض حقوق ادبی و هنری، مشمول قواعد عام مسئولیت مدنی مربوط به این دسته خسارت‌ها است. (در این خصوص، رک: کاتوزیان، ج ۱، ۱۳۷۸، ۲۵۵ به بعد).

به فرضی است که زیان دیده قصد استفاده از مبنای تقصیر برای مسئولیت مدنی عامل زیان را دارد. بدیهی است چنانچه نتوان تقصیر عامل زیان را اثبات نمود، مسئولیت منتفی نیست. بلکه در صورت وجود شرایط، می‌توان از سایر مبانی مسئولیت مدنی استفاده نمود. بنابراین ادعای این‌که لزوم اثبات تقصیر با ماهیت حقوق ادبی و هنری سازگار نیست و ایراد نمودن به ناکارآمدی مسئولیت مبتنی بر تقصیر در این خصوص (زرکلام، ۱۳۸۷، ۴۴۰-۴۰۳)، مانعی برای تمسک به مبنای تقصیر در کنار سایر مبانی مسئولیت مدنی محسوب نمی‌شود.

د- قاعده غرور

به موجب قاعده غرور، چنانچه شخصی در اثر اقدام دیگری، فریب بخورد و از این رهگذر به وی خسارتی وارد آید، می‌تواند برای دریافت خسارت‌های خود، به فریب‌دهنده مراجعه نماید. برخی (حکیم، بی‌تا، ۲۶۹) برای تحقق مسئولیت مبتنی بر قاعده غرور، عمد و قصد و آگاهی فریب‌دهنده را شرط شمرده، فرض جهل را خارج از شمول قاعده دانسته‌اند. در مقابل، برخی (حسینی مراغی، ۴۴۱؛ طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸، ۱۷۹؛ رحمانی، ۱۳۷۶، ۱۹۵؛ موسوی بجنوردی، ج ۱، ۱۴۱۹، ۲۷۰-۲۶۹؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ۱۹۱؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۸، ۶۶) قائل به شرط مزبور نبوده، در فرض جهل فریب‌دهنده نیز قائل به مسئولیت بر اساس قاعده غرور هستند. برخی از حقوقدانان (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۱۷۰) برای جمع دو نظر، به جای علم فریب‌دهنده، تقصیر وی را لازم دانسته‌اند. به نظر می‌رسد با توجه به این‌که اصولاً در صدق عناوین افعال، علم و قصد شرط نیست، در فرضی که غارّ بدون علم و آگاهی، موجب فریب دیگری می‌شود، عنوان غرور تحقق پیدا می‌کند. البته نباید از نظر دور داشت که احراز رابطه علیت میان اقدام غارّ و فریب خوردن مغرور، برای تحقق مسئولیت، ضروری است.

نقض حقوق ادبی و هنری نیز می‌تواند مضمول این قاعده قرار گیرد. از این قبیل است اگر شخصی به دروغ خود را نماینده انتشارات معتبری وانمود کرده و بدین ترتیب، ضمن اغفال پدیدآورنده باعث گردد که او اجازه انتشار اثر ادبی و هنری خود را به وی اعطا نماید. همچنین است اگر شخصی با توصیف نادرست یک مجله فاقد اعتبار، به‌عنوان یک مجله معتبر، باعث شود که نگارنده مقاله، اثر خود را برای چاپ در اختیار مجله مزبور قرار دهد و از این رهگذر، دچار خسارت گردد.

ه- قاعده لاضرر

در خصوص مفهوم قاعده لاضرر، نظرات مختلفی میان اندیشمندان فقهی و به تبع آن حقوق‌دانان به چشم می‌خورد. نظر مشهور در این میان، این است که به موجب قاعده مزبور،

احکام ضرری نفی گردیده است (انصاری، ۱۴۱۴، ۱۱۶؛ نائینی، ج ۳، ۱۴۱۸، ۳۸۲؛ موسوی بجنوردی، ج ۱، ۱۴۱۹، ۲۱۹-۲۱۸؛ مصطفوی، ۱۴۱۷، ۲۴۳).^۱ البته ادعا شده (نراقی، ۱۴۱۷، ۵۵؛ موسوی بجنوردی، ج ۱، ۲۳۶-۲۳۵؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۸، ۳۲۰) که قاعده لاضرر صرفاً ناظر به نفی احکام وجودی است و اثبات حکم نمی‌نماید. لیکن به نظر می‌رسد که اگر بسان برخی (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۱۵۵-۱۵۴؛ محقق داماد، ۱۳۷۸، ۱۶۷) احکام عدمی را داخل در قلمرو قاعده لاضرر بدانیم، عدم ضمان و مسئولیت در فرضی که شخصی حق دیگری را نقض نموده و به وی ضرر زده است، حکمی ضرری محسوب بوده که باید نفی گردد. در نتیجه نفی عدم ضمان، مساوی با ضمان و مسئولیت عامل زیان خواهد بود. با پذیرش این نظر، می‌توان از قاعده لاضرر برای مسئول شناختن ناقضین حقوق ادبی و هنری استفاده نمود.

با توجه به مطالب فوق، می‌توان از مبانی مختلف پذیرفته شده در حقوق ایران، برای مسئولیت نقض‌کننده حقوق ادبی و هنری و حمایت از دارندگان حقوق مزبور استفاده نمود.^۲ در پایان این قسمت لازم به یادآوری است که ذی‌نفع دعوی خسارت، برحسب مورد، شخص پدیدآورنده یا قائم‌مقامان وی هستند. منظور از قائم‌مقام، ورثه به‌عنوان قائم‌مقامان عام و انتقال‌گیرندگان قراردادی، به‌عنوان قائم‌مقامان خاص است. بدیهی است موصی‌له نیز در زمره قائم‌مقامان محسوب است، که اگر وصیت به جزء مشاع از ترکه شده باشد، باید وی را همچون ورثه، قائم‌مقام عام دانست. زیرا حق وی ناظر به کل دارایی است. اما چنانچه موصی‌به مال معینی از ترکه باشد، نامبرده قائم‌مقام خاص به‌شمار می‌آید.

نتیجه

در نظام حقوقی فرانسه برای حمایت از مالکیت‌های فکری، دعوی ویژه‌ای تحت عنوان دعوی تقلب پیش‌بینی گردیده که علاوه بر جنبه جزائی، دارای ویژگی مدنی نیز می‌باشد. ویژگی اخیر دعوی مزبور برخلاف جنبه جزائی آن نیازمند عنصر سوءنیت نبوده، حتی مستلزم اثبات تقصیر نیز نمی‌باشد. این دعوی علاوه بر جبران خسارت، نقش بازدارنده نیز دارد. ذی‌نفع دعوی مزبور پدیدآورنده و نیز شخصی است که اجازه بهره‌برداری انحصاری از اثر به وی اعطا شده است. سایر اشخاص و نیز در مواردی که اثر ادبی و هنری به دلیل فقدان شرایط حمایت یا انقضای مدت حمایت از طریق دعوی تقلب قابل حمایت نباشد، امکان استفاده قواعد عام

۱. برخی از فقهای معاصر (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴، ۱۳۴ به بعد) نیز ضمن پذیرش نفی حکم ضرری به استناد فقره اول حدیث (لاضرر)، بر اساس قسمت دوم روایت (لاضرار)، اولاً تحریم اضرار و ثانیاً تشریح وسائل اجرایی مناسب برای جلوگیری از زیان را استنباط کرده‌اند.

۲. در همین راستا و برای ملاحظه طرح بحث به‌گونه‌ای دیگر، رک. عیسی تفرشی و حکمت‌نیا، ۱۳۸۳، ۹۱ تا ۱۱۰.

مسئولیت مدنی به‌ویژه دعوی رقابت مکارانه و استفاده مکارانه وجود دارد. طبیعی است استفاده از دعاوی اخیر منوط به وجود و احراز شرایط آن می‌باشد. در حقوق ایران در متون مختلف که برای حمایت از حقوق ادبی و هنری وضع گردیده، از مسئولیت مدنی نقض‌کننده در کنار مسئولیت کیفری وی سخن گفته شده است. البته برخی از متون مزبور حاوی مقررات قابل تأمل و نیازمند اصلاح است. هرچند مبنای مسئولیت مدنی نقض‌کننده حقوق ادبی و هنری در متون مزبور به‌صراحت تبیین نگردیده، ولی به‌نظر می‌رسد که می‌توان از مبنای متعدد حقوقی و فقهی مطرح در حوزه مسئولیت مدنی از جمله اتلاف و تسبیب، ضمان ید، تقصیر، غرور و قاعده نفی ضرر، بهره جست. در هر حال با توجه به اهمیت روزافزون حقوق ادبی و هنری، مناسب است قانون‌گذار ضمن اصلاح مقررات موجود، با پیش‌بینی مقررات ویژه‌ای، در زمینه حمایت‌های مدنی از حقوق ادبی و هنری به تکمیل مقررات مزبور بپردازد.

منابع و مأخذ

الف - فارسی و عربی

- کتب -

- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۹۰ق.)، *تحریر الوسیله*، ج ۲، چ ۲، قم: مؤسسه مطبوعاتی إسماعیلیان.
- امامی، اسدالله (۱۳۸۶)، *حقوق مالکیت معنوی*، ج ۱، چ ۱، تهران: نشر میزان.
- امامی، سید حسن (۱۳۷۴)، *حقوق مدنی*، ج ۱، چ ۱۵، تهران: کتابفروشی اسلامییه.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۴ق.)، *رسائل فقهیه*، قم، المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری المئویة الثانية لمیلاد الشیخ الأنصاری، ج ۱.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۲۰ق.)، *کتاب المکاسب*، ج ۳، قم، المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری المئویة الثانية لمیلاد الشیخ الأنصاری، ج ۲.
- باریکلو، علیرضا (۱۳۸۵)، *مسئولیت مدنی*، چ ۱، تهران: نشر میزان.
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۸)، *حقوق مدنی (۴)*، *مسئولیت مدنی*، ج ۱، نشر میزان: تهران.
- حسینی سیستانی، سید علی (۱۴۱۴ق.)، *قاعده لاضرر و لاضرار*، قم، مکتب آیة‌الله العظمی السید السیستانی.
- حسینی مراغی، میرفتاح (۱۴۱۸ق.)، *العناوین الفقهیه*، ج ۲، چ ۱، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- حکیم، سید محسن (بی‌تا)، *نهج الفقاهه*، قم، انتشارات ۲۲ بهمن.
- داراب پور، مهراب (۱۳۸۷)، *مسئولیت‌های خارج از قرارداد*، چ ۱، تهران، انتشارات مجد.
- زرکلام، ستار (۱۳۸۷)، *حقوق مالکیت ادبی و هنری*، تهران، چ ۱، انتشارات سمت.
- ژوردن، پاتریس (۱۳۸۲)، *اصول مسئولیت مدنی*، چ ۱، ترجمه و تحقیق مجید ادیب، تهران، نشر میزان.
- شهید ثانی (۱۴۱۰ق.)، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، ج ۷، چ ۱، قم: مکتبه الداوری.
- صادقی، حسین (۱۳۸۸)، *مسئولیت مدنی در ارتباطات الکترونیک*، چ ۱، تهران، نشر میزان.
- صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۸۹)، *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، تهران، سمت، چ ۱.
- صفایی، سید حسین (۱۳۸۶)، *حقوق مدنی و حقوق تطبیقی*، تهران، نشر میزان، چ ۲.
- طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم (۱۳۷۸)، *حاشیه المکاسب (چاپ سنگی)*، ج ۱، قم، مؤسسه اسماعیلیان.

- طهوری، صادق (۱۴۱۹ق)، **محصل المطالب فی تعلیقات المكاسب**، ج ۱، قم، انتشارات أنوار الهدی، ج ۱.
- قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۸۷)، **الزامها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد**، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ج ۶.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸)، **الزامهای خارج از قرارداد (ضمان قهری)**، ج ۱، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۲.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، **دوره مقدماتی حقوق مدنی، وقایع حقوقی**، تهران، شرکت سهامی انتشار، ج ۱.
- کلمبه، کلود (۱۳۸۵)، **اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان**، ترجمه علی‌رضا محمدزاده وادقانی، تهران، نشر میزان.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۸)، **قواعد فقه مدنی**، ج ۱، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ج ۷.
- مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۱۷ق)، **مائة قاعدة فقهية**، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ج ۳.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق)، **القواعد الفقهية**، ج ۲، مدرسه الإمام أمير المؤمنين (ع)، ج ۳.
- موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ق)، **القواعد الفقهية**، ج ۱ و ۲ و ۴، قم، نشر الهادی، ج ۱.
- موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۷ق)، **هدایة العباد**، ج ۲، قم، دار القرآن الکریم.
- نائینی، محمد حسین (۱۴۱۸ق)، **منیة الطالب (تقریرات توسط شیخ موسی خوانساری)**، ج ۱ و ۳، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ج ۱.
- نراقی، ملا احمد، **عوائد الأيام**، بی‌جا، مرکز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامي، ج ۱، ۱۴۱۷ه.ق. - ۱۳۷۵ه.ش.
- نوری، شیخ فضل الله، **قاعدة ضمان الید**، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ج ۱، ۱۴۱۴ه.ق.

مقالات

- رحمانی، محمد (۱۳۷۶)، «قاعده غرور»، **مجله فارسی فقه اهل البيت**، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۱۶۸-۲۰۲.
- صادقی، محمود و خلیج، یوسف (۱۳۸۶)، «حمایت از مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط در محیط مجازی»، **مجله فقه و حقوق**، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۱۱۵-۱۴۴.
- عیسی تفرشی، محمد و حکمت نیا، محمود (۱۳۸۳)، «مسئولیت مدنی ناشی از اضرار به مالکیت فکری»، **نامه مفید**، شماره ۳، صص ۹۱-۱۱۰.

ب- خارجی

- Bénabent, Alain (1995), **Droit civil**, Les obligation, Paris: Éditions Montchrestien, 5^e éd.
- Canin, Patrick (2004), **Droit commercial**, Paris, Hachette Supérieur, 2^e éd.
- Colombet, Claude (1976), **propriété littéraire et artistique**, Paris, Dalloz.
- Dekeuwer-Defossez, **Française (2004), Droit commercial**, Paris, LGDJ & Montchrestien, 8^e éd.
- Legeais, Dominique (2009), **Droit commercial et des affaires**, Paris, Dalloz-Sirey, 18^e éd.
- Les chercheurs de l'ERCIM sous la direction de Michel Vivant (2004), **Les grands arrêts de la propriété intellectuelle**, Paris, Dalloz.
- Lucas, A. et H.-J. (2001), **traité littéraire et artistique**, Litec, 2^e éd.
- Marty, Gabriel et Raynaud, Pierre (1988), **Droit civil**, les obligations, T.1, 2^e éd., Paris, Sirey.
- Mazeauds, H. L. et J. et Chabas, François (1985), **leçons de Droit civil**, T. 2, V. 1, Paris: Éditions Montchrestien, 7^e éd.
- Pollaud-Dulian, Frédéric (2005), **Le droit d'auteur**, Paris, Economaca.

از این نویسنده مسئول تاکنون مقاله زیر در همین مجله منتشر شده است:

«مفهوم و مبانی قابلیت استناد قرارداد» سال ۱۳۸۹، شماره ۱.